

## آغاز امامت امام زمان (عج) غدیری دیگر

سالروز آغاز امامت حضرت ولی عصر (عج) در حقیقت امتداد غدیر، بلکه خود غدیری دیگر است.



سالروز آغاز امامت حضرت ولی عصر (عج) در حقیقت امتداد غدیر، بلکه خود غدیری دیگر است. باید در این چنین روزی با امام زمان (عج) بر اساس مفاد روایات و دعاها به ویژه دعای «عهد» پیمانی دوباره بست. معرفت، محبت، ولایت و اطاعت برخی از اصول این پیمان نسبت به حضرت صاحب الزمان (عج) است. غربت و مظلومیت، رشته‌ای است پیوسته، از غدیر تا کربلا و از کربلا تا غیبت. آنها که آرزو داشتند در سال دهم هجری، در سایه‌سار تک درخت وادی جحفه باشند تا با صاحب غدیر بیعت کنند، امروز باید با حجت معبود، مهدی موعود بیعت کنند و هر چه در توان دارند، از یاری امام زمان خود دریغ ندارند. چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که زمان او (حضرت مهدی علیه السلام) را درک کند، به دوره او بپیوندد و دوره او را شاهد باشد».

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «هیچ مرده‌ای باقی نمی‌ماند، مگر اینکه شادی ظهور مهدی علیه السلام در قبرش به او می‌رسد و آنها در قبرهایشان با هم دیدار می‌کنند و یکدیگر را به قیام قائم علیه السلام بشارت می‌دهند». به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، نهم ربیع‌الاول مصادف است با آغاز امامت حضرت مهدی (عج) امام بزرگ و امید مستضعفان جهان، او خواهد آمد و جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم و جور، پر شده است.

ولایت امام زمان (عج) به‌عنوان سرپرستی و حاکمیت وی بر افراد جامعه هست و این ولایت رکن و اساس دین است؛ هم‌چنین کلید گشایشگر و راهنمای انسان مسلمان در همه ابعاد دین است.

معرفت، محبت و ولایت امام (عج)، زمینه‌ساز عهد و پیمان با ایشان است، چراکه عشق و ولایت بدون مسئولیت‌پذیری، هوسی بیش نیست. عهد، التزام و نوعی تعهد‌پذیری در مقابل شخص یا کاری است و باید خود را به وظایفی که نسبت به امام زمان (عج) داریم ملتزم سازیم و با ایشان برای انجام آرمان‌هایش عهد ببندیم و کسانی می‌توانند در عصر ظهور به این عهد عمل کنند که در عصر غیبت به پیمان خود با امام عصر (عج) عمل کرده باشند. عهد و اطاعت، تجلی و نمود عشق و محبت است و زمینه‌سازی برای ظهور ایشان، بسط عدالت و فرهنگ عدل‌پذیری در جامعه و نهادینه کردن آن است.

آغاز امامت آن حضرت، به مشیت الهی و برخی مصالح دیگر، با غیبت همراه بود که اولین غیبت ایشان به «غیبت صغرا» مشهور است که تا سال 329 هجری قمری به طول انجامید. پس از آن، مرحله جدیدی از غیبت که به دوره «غیبت کبرا» معروف است، آغاز شد که تاکنون نیز ادامه دارد. این دوران، سخت‌ترین دوره امتحان مردم است؛ زیرا ارتباط مستقیم با امام (علیه السلام) برای همگان میسر نیست و نایب خاصی نیز وجود ندارد تا مردم به وسیله او بتوانند از آن حضرت، کسب تکلیف و پاسخ پرسش‌های شان را دریافت کنند.

در توصیف این برهه از زمان، تعبیرهای بسیاری در روایات وارد شده است که از وجود فتنه‌های بسیار خطرناک حکایت دارد. بشر در این دوره، به دلیل بی‌توجهی به ارزش‌های اصیل الهی و انسانی، با وجود برخورداری از زندگی به ظاهر زیبا، آراسته و مدرن به زندگی نکبت‌باری دچار می‌شود. بدین معنا که هر چند شکم‌ها سیر و زندگی پر زرق و برق خواهد بود، ولی روح‌ها مضطرب، نگران و سرگشته است و از دست دادن هدف و فلسفه درست زندگی، یکایک افراد بشر را به یأس و ناامیدی کشنده‌ای دچار می‌سازد.

در فرهنگ اصیل اسلامی، برای پیشگیری از دچار شدن به چنین وضعی، تحت عنوان «وظایف دوران غیبت»، رهنمودهای بسیار مهمی از سوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) ارائه شده است. رعایت این موارد، سبب در امان ماندن از خطر انحراف است؛ زیرا پایبند نبودن به احکام الهی و از دست دادن ثبات فکری و اعتقادی صحیح، سبب آلودگی به فتنه‌های آخر الزمان خواهد شد.

### 5 نشانه اصلی ظهور از دیدگاه امام صادق (ع)

نشانه‌های تخلف‌ناپذیر ظهور امام مهدی علیه السلام که بی‌هیچ تردیدی مقارن ظهور آن حضرت رخ خواهند داد و ارتباط گسست‌ناپذیری با آن دارند، پنج نشانه‌اند. برخی از این پنج نشانه، اندکی پیش از ظهور و برخی چند ماه پس از آمدن آن گرامی و برخی اندکی پیش از قیام نجات بخش و جهانی آن حضرت، پدیدار خواهند شد.

در این مورد، روایات بسیاری وارد شده است که با اندک تفاوت در ترتیب پیدایش این علائم و نشانه‌ها، آنها را نشان می‌دهد. از امام صادق علیه السلام در مورد پنج نشانه حتمی ظهور نقل شده که ایشان می‌فرمایند: قیام و شورش سفیانی؛ خروج یمانی؛ کشته شدن نفس زکیه در مسجد الحرام؛ فرو رفتن زمین در منطقه «بیدا» و صیحه (ندای) آسمانی.

منابع:

بعثه مقام معظم رهبری

مصباح کفعمی ج 2 ص 533 بحارالانوار ج 50 ص 335

مسار الشیعه ص 28-29

روایت معتبر محمد بن حسین: کمال الدین شیخ صدوق ج 2 ص 473

النعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبه، ص 200، ج 16 / المجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 52، ص 140

شیخ طوسی، الغیبه، ص 267؛ کمال الدین صدوق، ص 649؛ ارشاد مفید، ج 2، ص 279؛ طبرسی، إعلام الوری، ص 426.